

انتشار «هفت پیکر نظامی» با زبان ترکی استانبولی

کتاب «هفت پیکر نظامی» با ترجمه منظوم ناجی توکماک، از سوی انتشارات «بیلگی» ترکیه منتشر شده است. این مترجم و پژوهشگر ترک در مقدمه ترجمه‌اش بر «هفت پیکر نظامی گنجوی»، نوشته است: نظامی گنجوی نه تنها در ادبیات فارسی، بلکه در سراسر جهان اسلام، از جمله در امپراتوری عثمانی تأثیرگذار بوده است. بسیاری از شاعران ترک زبان تحت تأثیر سبک و آثار او بودند. اشعار حماسی و عاشقانه نظامی به‌خصوص منظومه‌های

فرهنگ نصر

سیدحسن نصرا... معنای فرهنگی شهادت را جدا از لفاظی‌های مدرنیستی و ظلمانی درباره فرهنگ به جهانیان نشان داد

حالا چقدر حال ما با حال سید حسن، آقای شهید ما فرق دارد. او اکنون زنده است و نگاه زنده‌شده او، فرهنگ او، شناخت او از شهادت، چقدر با مردگان بی عشق از مرگ فرق دارد. اتفاقی نیست دشمن دل مرده و کورکور فکر می‌کند سیدحسن مرده و از دشمن نجات یافته؛ نمی‌داند خدا اینچنین یا کشته‌اش، از او شهید و تولدی نو ساخته و تازه او را پیروز و عزیز و بی شکست و دست‌نیافتنی تر کرده است و حالادستی باز است. احتیاج به مخفیگاه ندارد و مقررات دنیوی و امنیتی دست‌وپاگیر آزادی عملش را محدود نمی‌کند. دردرس سیدنصرا... برای کفر محارب و فرعونیت آمریکاو محوسگ هارش، صهیونیسم جهانی و رژیم درنده و جعلی اسرائیل تازه آغاز شده است و طنین‌اش برای نابودی ظلم جهانی قدرت‌های متفرعن پایانی ندارد. ولو با مرگ اسرائیل این فریاد خون آرام نمی‌گیرد و محرک ظلم ستیزی است، مگر با ظهور بقیه... و حیات نوو عدل موعود جهانی (عج).



احمد میراحسان شاعر و منتقد

رابطه رافرهنگی شهیدوشهادت

قبل از هر چیز بگوییم شهادت و شهید با هم رابطه‌ای رافرهنگی دارند. پس این رابطه حتی با رابطه مومن و واجبات شرعی، گاه فرق‌هایی می‌کند، چنان‌که رابطه مومن و نماز واجب، مومن و خمس واجب، مومن و حج واجب و... فرامین الهی دیگری است. آنچه برای شهادت و نتایج آن گفته‌شده فرق دارد با آنچه برای نماز و روزه و... آمده است. البته زمانی که پای حب شدید و گواه عشق در میان باشد، نماز، حج،

پنج‌گانه (پنج‌گنج) همچون «خسرو و شیرین» و «لیلی و مجنون» الهام‌بخش بسیاری از شاعران ترک بوده است. بسیاری از شاعران کلاسیک عثمانی، مانند فضولی و یحیی بیگ، به‌طور مستقیم از نظامی تأثیر گرفته‌اند. فضولی، منظومه‌ای با نام لیلی و مجنون نوشت که الهام‌گرفته از آن نظامی است و در ادبیات ترکی استانبولی نیز جایگاه والایی دارد. هفت پیکر از مثنوی‌های نظامی بوده که به نام‌های هفت گنبد و بهرام نیز مشهور است. کتاب شامل هفت

قصه جداگانه است که توسط هفت دختر از هفت اقلیم جهان در هفت گنبد (کاخ) نقل می‌شود. هفت پیکر با آن هفت قصه شگفت‌انگیزترین و خیال‌انگیزترین منظومه از میان پنج گنج به شمار می‌آید و قدرت قصه‌پردازی نظامی را به اوج خود می‌رساند. ناجی توکماک، یکی از چهره‌های برجسته در حوزه زبان و ادبیات فارسی در ترکیه است و فعالیت‌های او نقش مهمی در گسترش و ترویج زبان و ادبیات فارسی در ترکیه ایفا کرده است.



فرهنگ نصر

سیدحسن نصرا... معنای فرهنگی شهادت را جدا از لفاظی‌های مدرنیستی و ظلمانی درباره فرهنگ به جهانیان نشان داد

زکات و انفاق هم با انفاق جان و عشق و گواه عشق نسبتی می‌یابد فراتر از عمل عادی شریعت و در متن آنچه اقامه می‌گردد در نماز، حج و دیگر واجبات، معاشقه شاهدانه و شهیدانی رخ می‌نماید. همه چیز عاشق، عاشقانه است ولو جنگ با دشمن معبود.

شهادت: امر بیشا فرهنگ

شهادت از یک فرمان شروع نمی‌شود. از وجود، از عشق آغاز می‌گردد؛ در وجودت اول شهید می‌شوی بعد جسمت شهید می‌شود. شهادت، از شاهد جدا نیست و همه مراتب حب و ایمان که امری قلبی است زیربنای آن است. وقتی شوق لقا... قابلیت رافتح کرد. خطر پیوهده و دستکم ناآرامی می‌شود. پس آنچه را که فرمان اوو مایه خشودنی معبود، بلکه معشوق و محبوب است به جان می‌خری، با دل و عقل نوری، بی سروبی پاویی اندیشه خطر، آغوش می‌گشایی بدون فکر جان، مال، اهل و عیال، نام و ننگ و رسوایی و پا کپا ختگی و... دامن می‌تکانی. می‌بینیم که شهادت امر بیشا فرهنگ و بیشا تفکر است. امر قلب و روح و وجود است، اصلا موضوع خود شهادت نیست، موضوع کسب خشودنی یار و تقرب و لقای محبوب است. در این راه است که از جان می‌گیری. دیگران، بازماندگان و مومنان و اهل تفکر و تحلیل‌اند که می‌نشینند به شهادت و فرهنگ شهادت می‌اندیشند و تحلیل و قانون وضع می‌کنند. شهید به راه دیگر می‌رود.

شناخت قرآنی و فرهنگ شهادت

البته تحلیل ریشه فرهنگ شهادت از سوی اهل ایمان به توحید و دین یگانه معبود، اسلام، از قرآن صامت و قرآن ناطق می‌آید که ناگسستگی است. این فرهنگ به ما می‌شناساند و می‌گوید شهادت فراقم و سرنوشت مردان و زنان استوار است در عهد و عمل به پیمان از سر صدق و حب به پیروندگان و معبود یکتا و آنان زنده‌اند و جاودانگی، خود آگاهی و بیداری سهم آنان است با همه ویژگی حضور، و داشتن انواع رزق چون زندگان در دنیا، جدا از رزق اخروی از الطاف خدا به آنهاست و این رزق حساب ندارد و شهید تازه آغاز می‌شود. از این دست شناخت‌های قرآنی، فرهنگ شهادت را می‌سازد. اما اجازه دهید رها از تکرش تحلیل فرهنگی در دانش مدرن، محصول وجودی و قلبی شوق شهادت و فائق آمدن بلکه سلطنت بر ترس از مرگ را به سبب حب به انجام تکالیف که مایه خشودنی محبوب و معشوق است، نه در حدیث دیگران بلکه در زیست عاشقانه و شاهدانه آقای شهید و چون نمونه و تجربه زنده جست‌وجو کنیم و بنا به فرهنگ سراپا قرآنی و اهل بیت اسلام ناب محمدی، تدبیر کنیم، بنا به اسلام علی، فاطمه، حسن و حسین و همه ۱۴ اسوه عشق و شهادت معصومانه، بنا به اسلام حجت حی و امام حیات‌بخش و نور بخش اعظم امام زمان (عج) شهادت را درک کنیم. فرهنگ هیچ بودن و هیچ شدن و همه چیز را دیدن و غرق شدن در آتش عشق و اشتیاق و جدایی ناپذیری عبد و معبود در هردم و بی شدن از او را عمیق بفهمیم و دامن ناکندن در راه کسب رضای او و دمی نگاه گوشه چشمش را به جان خریدن را با قلب و نه زبان تجربه کنیم. این نکته زنده برای همه آنان که خواهان تجسمی از شهید در زندگی روزمره هستند، تصویری می‌سازد: همه جهد خستگی ناپذیر و بدون خوف و وا همه معصومانه و پیروی صمیمانه شهید، سیمیه و حمزه از عشق به معصوم در همین سرشت محبت در شهادت معنا می‌یابد. در کریم‌ها کانون تابش شهادت همراهان حسین، در راه حسین و لیلیک به او از سوی عباس دلداه شهیدای کریم‌ها همین راز را در دل است.

عشق سرشت فرهنگ شهادت

باید گفت سرشت رافرهنگی عشق متعلق به عموم شهیدا یا درجات مختلف است و تابش نور قلبی و وجودی آن از هایل تا شهادات انبیا و شهادت در صدر اسلام تا شهادت شهید اول و ثانی و ثالث تا شهادت معاصر اهل ایمان از شیخ فضل... و مدرس و... تا شهادت مغنیه، سیدباقر صدر، موسی صدر، مطهری، بهشتی، رجایی، احمد یاسین، احمد شقایق، رنتیسی، احمدشاه مقصود، سیدعباس موسوی، حاج قاسم و ابومهندس و هنیه و رئیس و شکر و بالاخره شهادت سیدحسن نصرا... و همه و همه شهیدای گمنام عاشق خدا در همه گیتی و مذاهب و ادیان حقره را در بر می‌گیرد. نامدار و گمنام، ندارد. چمران و چوپان ندارد. البته درجات شهیدا بی شک متفاوت است و چه کس حمزه و

مهم‌تر ابوالفضل می‌شود! حتی نه تنها به قتل رسیدگان در راه خدا، بلکه کسانی چون آقای مرعشی که ظاهرا به قتل نرسیدند اما شهید محسوب شدند و بدیهی است از آغاز این قاعده پابرجا بوده که شهید اعم از مقتول در راه اسلام است و شاهد است و رسول!... چه مقتول باشد و چه نباشد در حیات خود شاهد و شهید بوده و معصومان نیز چنین بوده‌اند و به تبع این حقیقت بلکه، حضرت خدیجه و زینب، سلمان و ابوذر و سیدبن طاووس و سید بحر العلوم و... تا آقای قاضی و حضرات سید ابوالحسن اصفهانی و خوانساری و بی‌جهت و خمینی و ... مقتول نبودند اما در حیات‌شان شهید و شاهد که صبورند و مقام شهید زنده که داشتند، از جمله امام خامنه‌ای، با سال‌ها افزونی از حیات نوبه نوان شاء!...

داستان سیدحسن در فرهنگ شهادت

اما داستان تصویر زنده سیدحسن نصرا... از ویژگی یک شهید و فرهنگ یک شهید از پیش و پیش از آن که کشته راه خدا شود این روزها مکرر دانسته شده است. از جمله خود تعریف می‌کند در آغاز کار که ریشش سفید نشده بود و تازه به رهبری حزب... برگزیده شده بود، دچار خوف از عدم توان به پیش بردن امور خارج از توان و توانفرسا برایش بود تا آنجا که در در دیداری با رهبر محبوبش از خستگی سخن رانده بود و از سنگینی بار مسئولیت خواسته بود فرد ممتاز و توانمندی که خسته نشود، مسئولیت بپذیرد و او با همه قوا و تا پای جان به او کمک کند. گویا پای دلزدگی‌اش از حب مقام کسانی و زهر خنجر حسد هم در میان بود. این تقاضا البته در اصل آزمایش الهی برای میزان علاقه او به مقام ریاست بود. رهبر محبوب او راهنمودی به او دادند که در همه عمر تا زمان شهادت او را وصل معبود یگانه نگاه داشت و عشق یک شاهد را در دلش بیدار کرد و آن دیدار خدا چون یک معشوق بود و این راز یک ایمان و عشق تا یک فرهنگ زنده در زندگی روزمره‌اش و تمام لحظه‌هایش تداوم بخشید. کار عاشق در هر لحظه چیست؟ در محضر معشوق زیستن و غرق تماشایش بودن. با او گفت‌وگو مدام داشتن، هر رویداد و نامردمی و طعنه و سرزنش اغیار را ندیدن، شکوه نکردن و فقط با محبوب در میان نهادن. در دل بی‌وقفه و تمنا و طلب توان و مهر و مرحمت فقط از او داشتن و بی‌نیاز به غیر بودن و تنها به او ایمان و اعتماد داشتن. راهنمایی‌های این امام عاشق به سیدحسن، آن بود که ما خدا را داریم و این معبود قادر و عالم و قیوم و رحیم و شاهد و ارحم الراحمین رب العالمین است و... (نقد به معنا) و هیچ کم نداریم که توان و عزت و نشاط خستگی ناپذیر از دست دادن. پس با او سخن بگو که چیران‌کننده ناتوانی‌ها و رافع رنج‌ها و خستگی هاست. به زبان خودت در روز و نیمه شب و نه فقط به زبان دعا، در راه و یبگنا، مثل مردم عامیانه حرف بزنی و از او بخواه، آنچه از دل خودت و راز و نیاز خودت و رنجت سرچشمه می‌گیرد و بی هیچ کلمه‌ای دیگر، این زبان و فرهنگ عشق و شهادی است که گواه است بر محبوبی که با همه وجود می‌بیند و در آغوش او جا دارد و او در دلش سخن لیاش را حرف به حرف می‌شنود و حاجتش را در خیر عظیم روا می‌دارد و به مثبت بالغه، رحمانی با او دیدار می‌کند.

شهید واجب‌التعظیم کنون ما

سیدحسن، آقای شهید، امام‌زاده واجب‌التعظیم کنون ما، این راه را آن قدر ادامه داد و با این فرهنگ زیست که در مامن و آغوش ابدی یار جا گرفت. این است معنای رافرهنگی و فرهنگی شهادت، رها از لفاظی‌های مدرنیستی و ظلمانی درباره فرهنگ با دارا ک مادی و گسسته از سرچشمه‌های الهی فرهنگ عشق و شهادت و آقای معبود، ایمان و زبان آقای شهید، زیبایی بهت‌انگیز یک گواه عاشق را برای ابد به تماشای زمینیان و کرونیان نهاد و او این دورا را پدرش مولا علی و از مادر مادرش حضرت خدیجه و از عمه‌اش حضرت زینب داشت.

قاب مقاومت

پیکر واحد

سید شهید بزرگوار، حسن نصرا... در سه دهه رهبری حزب... لبنان، همواره بر یک موضوع تاکید داشت: ملت لبنان و فلسطین یک پیکر واحد هستند و از همین رو، جهاد خود را در برابر رژیم سفاک صهیونیستی رهبری می‌کرد. این نگرش آن قدر در بن اندیشه محور مقاومت عمق پیدا کرد که امروز می‌بینیم جهادگران فرهنگی مقاومت برای محتواسازی، در این روزها که این دو کشور زیر وحشی‌گری اسرائیل قرار دارند، در آثار هنری بازنتاب داده می‌شود. مثل این طرح از محمد نجار، هنرمند فلسطینی که این طرح را با عنوان «کالجسد الواحد» منتشر کرده و بر آن نوشته: «من مرزها را تشخیص نمی‌دهم و کشورها را نمی‌شناسم، ما همه یکی هستیم، مگه نه؟»

فرهنگ

مشاعر

ما خدا را داریم

سیدحسن نصرا... و اینک تابش کربلا:

«ما خدا را داریم»
این صدای توست
میراث توست
نور خون توست
مظلوم، مظلوم، مظلوم
و خدا

خدا خود پیغام داده است
خونخواه توست
سیدحسن!

فرزند حسین
ای پیشوای حزب خدا
نصرا...

که صدایت در آسمان مقیم طنین جاودان
گرفته است:

«ما خدا را داریم»

این بازمانده‌ی نکشتنی توست

و در دو جهان ما را پس است. ما خدا را داریم

ای زاده پیامبران

و میراث دار کلام

نه شیطان بزرگ

نه حرمه

نه یزید

نه آمریکا

نه انگلیس

نه اسرائیل

کلمه‌تورا

نمی‌توانند با بمب‌های یک‌تکی یانکی‌ها
محو کنند

زیرا تو در خدا مأوا گرفته‌ای

در «ما خدا را داریم» ساکن ابدی شده‌ای

و خدا کشتنی نیست

هر قدر که جلاد تو از جلاد باشد

این سگ خبیث هفت‌پستان

هر قدر عوعوی دریده‌او

عوعوی وحشی درنده باشد

نتایهاو

اما خدا کشتنی نیست.

و حالات او از نامیرایانی

از جاوداتانی ای سید شهیدان قدس

که جاودانگی خدا

ای وجه اله

تورا مملو کرده است.

ای پایداری تا موعود

در رگان ما تو رو د ابدی مقاومتی

برابر شیطان

توا مید روشنی

انتظار شیرینی حتی در آستان سوختن و

خاکستر شدن

تا تابش بقیه!...

تازش نیز اعظم

بر آسمان دنیا.

و باقی خواهی ماند در رگان ما

آوی تو

ما خدا را داریم

احمد میراحسان

مشاعر

شعرهای کودکانه برای پدر

مجموعه «شعری برای پدر» در کتابی با عنوان «نفس‌های حاج جلال» با گردآوری مسعود طاهری عضو آرسوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شد. این کتاب دربردارنده ۱۵ قطعه شعر از ۱۵ شاعر کودک و نوجوان است که برای پدر و در توصیف او سروده شده‌اند. این اشعار را مصطفی رحماندوست، جعفر ابراهیمی (شاهد)، افسانه شعبان نژاد، جواد محقق، محمود پوروهاب، ناصر کوشارز، غلامرضا یکتاش، کمال شفعی، مشعوف، عباسعلی سپاهی یونسی، محمدکاظم مزینانی، حمید هنرجو، مریم اسلامی، اسماعیل... دادی، محمد طاهری، شهاب و مسعود طاهری ضد سروده‌اند. موضوع کتاب «نفس‌های حاج جلال» گرامی داشت مقام پدران شهدا به‌ویژه حاج جلال پدر شهیدان حاجی بابایی بوده که در مقدمه کتاب و آخرین شعراین مجموعه زبان حالی از آخرین روزهای کلاس درس سردار معلم شهید علیرضا حاجی بابایی به‌زبانی کودکانه بیان شده است. گل لیخند و سلام، پدر، دوش به‌دوش غروب، دست خالی پدریزرگ، خنده پدریزرگ، گلدسته دعا، حوض وکاشی، سرفه‌ی پدر، پدر پاییز، قصه پدریزرگ، گل روی ایران، چشم پدر، کوه استوار و نفس‌های حاج جلال عنوان‌های این شعرهاست. تصویرگری این کتاب که برای گروه سنی ۹ سال به بالاست را الهه برهانی بر عهده دارد.



خاطرات طنز رزمندگان در «آدلا هنوز شام نخورده!»

کتاب «آدلا هنوز شام نخورده!؛ مجموعه خاطرات طنز رزمندگان» نوشته یاسر سیستانی نژاد منتشر شد. این کتاب در ۱۲۰ صفحه توسط انتشارات سوره مهر راهی بازار کتاب شده است.

در پیشگفتار کتاب عنوان شده است: یکی از ظرفیت‌های جنگ ثبت و ضبط خاطرات طنزآمیز و شوخی‌ها و بذله‌گویی‌هایی متناسب با فضای جنگ است که به دلیل بافت سنی جوان رزمندگان از فراوانی قابل توجهی برخوردار است. ظرافت و شیرینی خاطرات طنز می‌تواند در جهت تبیین شخصیت رزمندگان و شناساندن روحیات و فرهنگ آنها به نسل آینده مفید باشد. این مجموعه از جمع‌آوری خاطرات رزمندگان کرمانی با موضوع خاطره اولین شب از عملیات کربلای ۴، که عموما از بچه‌های گردان ۴۰۸ سیدالشهدا گرفته‌اند، کلید خورده و برای پیشبرد این پروژه، با رزمندگان درباره خاطرات طنز آنها نیز صحبت شد و از طریق آنها با دیگر رزمندگان که به شوخ طبعی مشهور بودند، ارتباط برقرار شد. بدین ترتیب، با بیش از ۴۰ نفر از رزمندگان دوران دفاع مقدس، در مدت زمان شش ماه، قریب به ۹۰ ساعت مصاحبه صوتی تهیه و گردیده‌ای از آنها آماده ارائه شد. نسخه سیدی، مصاحبه با رزمندگان را بر عهده داشته است.

